

هفتمین دوره جایزه «ابوالحسن نجفی» برگزار می‌شود



فراخوان هفتمین دوره جایزه و نشان «ابوالحسن نجفی» منتشر شد. به گزارش ایبنا، برای پاسداشت یاد ابوالحسن نجفی در عرصه ترجمه و تشویق مترجمان در اعتلای زبان فارسی، مرکز فرهنگی شهر کتاب مراسم هفتمین دوره این جایزه را بهمن امسال برگزار و از بهترین ترجمه رمان و مجموعه داستانی که سال ۱۴۰۱ منتشر شده، تقدیر می‌کند. اعضای هیئت داوران این دوره، مهستی بحرینی، ضیاء موحد، حسین معصومی همدانی، عبدا... کوثری، موسی اسوار، امید طبیب زاده، آبتین گلکار هستند. آبتین گلکار با ترجمه رمان «اشیانه اشراف» اثر ایوان تورگنیف، محمد همتی با ترجمه رمان «مارش رادتسکی» اثر یوزف روت، زینب یونس با ترجمه رمان «زلیخا چشم هایش را باز می‌کند» اثر گوزل یاخینا، محمدرضا ترک تارتاری با ترجمه استاد پترزبورگ، نوشته جی. ام کوتسی، احمد پرهیزی با ترجمه رمان «ه‌ه ح» نوشته لوران بینه، فرزانه دوستی با ترجمه رمان «بیداری» نوشته کیت شوپن، نرگس قندیل زاده با ترجمه رمان «دروازه خورشید» نوشته الیاس خوری برگزیدگان دوره‌های گذشته این جایزه بوده‌اند. مترجمان و ناشران می‌توانند دو نسخه از کتاب خود را تا پایان مرداد ۱۴۰۲ به دبیرخانه جایزه به نشانی تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم، پلاک ۸، کدپستی ۱۵۱۳۶۴۸۳۱۳، مرکز فرهنگی شهر کتاب بفرستند.

رونمایی از «هیولای اسب‌سوار»: امروز در مشهد



نشست رونمایی و معرفی کتاب «هیولای اسب‌سوار» امروز سه شنبه در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود. این نشست با حضور مجید ملا محمدی، نویسنده کتاب و حجت الاسلام حسین میرزایی، کارشناس برنامه، همراه خواهد بود.

«هیولای اسب سوار» یک رمان نوجوان و تاریخی درباره روزگار جانشینی پیامبر اکرم(ص) است. کتاب چهار فصل دارد که در هریک ماجرای از زبان یک شخصیت روایت می‌شود. فصل نخست، ماجرای خواب و سفر حارث بن نعمان فهری بادی‌نشین به مدینه است. فصل دوم، روایت عبدا... بن عمرو مژن از شجاعت حضرت علی(ع) را دربرمی‌گیرد. فصل سوم به روایت عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر(ص) درباره جایگاه امیرمؤمنان و ماجرای غدیرخم و جانشینی حضرت علی(ع) می‌پردازد. فصل چهارم هم دربردارنده توضیحات عمار یاسر، صحابه سرشناس پیامبر(ص)، درباره محاجه و مجادله او با عبدالرحمن بن عوف و اثبات حقانیت حضرت علی(ع) و ماجرای غدیرخم است. در پایان رمان، فرجام حارث بن نعمان فهری که به مدینه رسیده و با رسول خدا(ص) سخن گفته نقل می‌شود. علاقه‌مندان به حضور در این آیین رونمایی، می‌توانند ساعت ۱۷ به رواق کتاب واقع در صحن قدس حرم امام رضا(ع) مراجعه کنند.

دبیر هجدهمین دوره جایزه قلم زرین:

مرعوب نام‌ها نمی‌شویم!



دبیر هجدهمین دوره جایزه قلم زرین گفت: اغلب داوران این رویداد از بین افرادی انتخاب می‌شوند که سابقه و شان ادبی بالایی دارند و هیچ یک از آن‌ها مرعوب نام‌ها و شیفته شهرت شاعران و نویسندگان و پژوهشگران نمی‌شوند.

کامران شرفشاهی در گفت‌وگو با ایبنا جایزه قلم زرین، را یکی از جشنواره‌های معتبر ادبی کشور دانست و افزود: جایزه ادبی قلم زرین هرساله با بررسی کتاب‌هایی که در قلمرو ادبیات منتشر شده به رونق کتاب‌های ادبی در جامعه کمک شایانی کرده است و مثل هر جایزه ادبی معتبر دیگری، این مؤلفه خود به افزایش تعامل و انگیزه بیشتر در بین دوستان اهل قلم منتج شده است.

این پژوهشگر و منتقد ادبی درباره روند داوری آثار در این جایزه نیز اظهار کرد: این رویداد در طول حیات خود داوری‌های عادلانه‌ای داشته و همواره تلاش کرده است در این عرصه از حاشیه‌ها دور بماند. آیین پایانی بیست و یکمین جایزه ادبی قلم زرین با دبیری حمید هنرجو، چهاردهم تیر امسال هم‌زمان با روز قلم برگزار خواهد شد.

زین‌قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

گاهی ترکیب‌های اضافی به صورت یک واحد واژگانی مرکب درمی‌آید و کسره آن خفیف است. در این صورت، هم یک تکیه آوایی خواهند داشت و هم نیم‌جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: **پشت‌بام، پشم‌شیشه، سنگ‌قبر، مهد کودک و...** **در این موارد نشانه جمع هم در پایان می‌آید:** **پشت‌بام‌ها، مهد کودک‌ها و...**

#زین‌قند_پارسی

شهریار

۳۳شنبه۰۶ تیر ۱۴۰۲شماره ۳۱۲۲

۱۰



فرهنگ و ادبیات

● صد‌ها ساعت افسانه محلی

یکی از پیگیرترین گردآورندگان افسانه‌های خراسان مرحوم حمیدرضا خزاعی بود. او طی سفر به مناطق گوناگون خراسان پای نقل سالخوردگانی روایتگر نشست و افسانه‌گویی‌شان را ثبت و ضبط کرد. نتیجه ساعت‌ها قصه شنیدنش - به گفته خود او چهارصد ساعت - مجموعه ده جلدی «افسانه‌های خراسان» (نیشابور، تربت حیدریه، تایباد، اسفراین، سبزوار، بیرجند، قاین، نهبندان، طبیس) و مجموعه هفت جلدی «زیباترین افسانه‌ها» (افسانه پریان، افسانه طنز، افسانه شعرها، افسانه گل‌ها، افسانه کچل‌ها، افسانه عیاران، افسانه شاه عباس) و مجموعه سه جلدی «کودکانه‌ها» (افسانه محبت، خون برفی، آدم جویی) و جز این‌هاست. خزاعی همچنین داستانی بلند به نام «عروس باران» نوشت که در آن از افسانه‌های کهن، مایه گرفته بود.

● راوی ادبیات شفاهی خراسان

زنده‌یاد محسن میهن‌دوست از دیگر نویسندگانی بود که شماری از افسانه‌های زادگاهش را به نگارش درآورد. او که صاحب تحقیق‌ها و تالیفاتی درباره ادبیات شفاهی بود، با کتابی

اوسنه؛ ماه بر «پیشانوی فرهنگ»

مروری بر کتاب‌هایی که افسانه‌های خراسان را ماندگار کرده است

سنایادی



افسانه یا افسان یا اوسنه یا هر نام دیگری که از گذشته‌های دور به این قالب فرهنگی داده شده باشد، نمودی جذاب از فرهنگ هر قوم و ملت می‌تواند باشد.

بسیاری از ما کودکی‌ای همراه با زمزمه‌های روایی خیال‌انگیز بزرگ‌تراها - مادر، مادر بزرگ، پد، پدر بزرگ و... - را سپری کرده‌ایم. و کم‌نیستند در میان ما بزرگ‌سالان، آدم‌هایی که یادآوری افسانه‌های شنیده به روزگار خُردی آن‌ها را غرق در شغف و احساسات خوش می‌کند.

افسانه‌ها یا همان ماجراهای خیال‌انگیز سرگرم‌کننده که بعضاً درس زندگی نیز می‌آموزاند کارکردی فراتر نیز پیدا می‌کند: حفظ فرهنگ و یادآوری غنای فرهنگی و بازتاب زیست فرهنگی جوامع و جز این‌ها. اینجاست که می‌بینیم در جهان متمدن امروز افسانه‌ها را جدی می‌گیرند و به مثابه موضوع پژوهش‌ها و منبع اقتباس فیلم‌ها و نمایش‌ها از آن بهره می‌برند و حتی نویسندگانی آن‌ها را بازآفرینی می‌کنند و صورتی امروزی به آن می‌بخشند. با توجه به ماهیت شفاهی افسانه، اهل پژوهش و دوستداران تمدن دریافته‌اند که ناگزیرند از مکتوب کردن آن. از این رو، کتاب‌های فراوانی در جهان و از جمله ایران ما منتشر می‌شود که شامل افسانه‌هایی از زبان ناقلان آن و البته پیاده شده بر کاغذ است.

خراسان ما به عنوان منطقه‌ای با پیشینه درخور توجه تاریخی و فرهنگی نمی‌تواند از افسانه‌های ویژه خود غنی نباشد. خراسان بزرگ سرشار است از افسانه‌های کهن و خوشبختانه در دهه‌های اخیر عده‌ای از اهل قلم با درک بایستگی ثبت مکتوب این گنجینه از منابع گوناگون سود برده و افسانه‌های این خطه را نوشته‌اند. در ادامه، نمونه‌هایی از این دستاوردها را مرور می‌کنیم.

به اسم «سنت‌شکن» هجده افسانه از فرهنگ عامه مردم خراسان را منتشر کرد. این اثر همرا است با مقاله «پژوهشی مفتنم در زمینه طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی از "اولریش مارلف"». میهن‌دوست همچنین در کتاب «نه کلید، نخست بازنویسی‌ای امروزی از بیست اوسنه خراسانی پیش روی خواننده گذاشت و در بخش دوم آن هم گفتاری درباره فرهنگ عامه ایران - یکی از حوزه‌های موردعلاقه و تخصص او - عرضه کرد. همچنین در پایان کتاب‌های او فهرست برخی اصطلاحات و روایان اوسنه‌ها آورده شده است. «اوسنه‌های عاشقی» نوشته دیگری از این پژوهشگر فقید است که صورت مکتوب افسانه‌هایی را دربر می‌گیرد که او در طول سالیان دراز در خطه خراسان از روایانی محلی و روستایی و مکتب‌نرفته شنیده بود. چنان که از نام کتاب برمی‌آید، مؤلفا آن به موضوع همیشگی افسانه‌ها یعنی عشق پرداخته و روایت‌هایی عامیانه را گردآوری کرده است که عنصر حرکت و ماجرا در آن‌ها عشق و عاشقی است. این نویسنده آثار دیگری هم در زمینه اوسنه‌ها نوشته که از آن میان می‌توان به کتاب «افسانه‌های دشت توس» پریان آب، انار بهشتی» اشاره کرد. این اثر

شماری افسانه کهن با موضوع‌های مختلف را شامل می‌شود که در دشت توس شنیده شده‌اند، از جمله داستان «پریان آب، انار بهشتی» که درباره پادشاه و سه دختر اوست که با مردانی صاحب منصب ازدواج می‌کنند مگر دختر کوچک که به عقد جوانی بیکار درمی‌آید... ● روایت‌هایی دیگر از افسانه‌های خراسانی به جز دو نویسنده درگذشته، دیگری هم به گردآوری و نوشتن و انتشار افسانه‌های خراسان دل داده‌اند. برای نمونه می‌توان از شهناز آذرنوش نام برد که آثاری از داستان‌های ایرانی از نقاط گوناگون کشور را برای بچه‌ها بازنویسی کرده است. یکی از این کتاب‌ها «افسانه‌های خراسانی» است که می‌خواهد مخاطب کودک و نوجوان را با فرهنگ ما خراسانی‌ها آشنا سازد. مصطفی برزونی نویسنده کتاب «اوسنه‌های سبزواری» دیگر مؤلف این خطه است که سراغ افسانه‌های شهر خود رفته است. و به همین ترتیب می‌توان نویسندگانی دیگر را نام برد.

● ماه پیشانوی ما و سپندرای آن‌ها

افسانه‌ها گاه از خاطرات مشترک انسان‌ها و جوامع انسانی ریشه می‌گیرند و با حفظ سازه‌ها و ماجراهایی به اشکالی متنوع و در فرهنگ‌های

ترو ریست‌ها در اتاق بغلی!

نگاهی به رمان «عزرائیل، روزهای تاریک» نوشته نیما اکبرخانی

وقت‌ها این کوچه دست‌مابود، کوچه‌روبه‌رو دست تکفیری‌ها، این خونه دست ما بود، خونه همسایه دست اونا، حتی یه بار همه‌مون تو یه خونه بودیم، طبقه اول دست اونا بود، طبقه دوم دست ما، بعد جوری شد که هال و پذیرایی دست اونا بود، حمام و توالت و اتاق خواب دست ما، از لحظه آشنا شدن با «میلاد» عاشق دوسیب‌آلبالو به عنوان نفر سوم گروهشان در تهران تا لحظه اسیر شدن او به دست پنج داعشی که در فصلی با عنوان به‌یادماندنی «دعوا سر سرمیلاد» درمان، اثری‌ا، ماندگار شده است. از لحظات پرالتهاب اسیر شدن به دست تکفیری‌ها تا لحظه «پرواز توالت فرنگی»، از لحظه تغییر شیوه جنگ با داعش و رفتن از مدل جنگ جهادی به سمت تشکیلاتی که راوی

از آن‌ها تعبیر شیرین «سنتی‌باز شدن ما سنتی‌ها» یاد می‌کند تا هماهنگ شدن دیرهنگام و دشوار راوی چموش ما با جنگیدن منظم و دارای سازمان و تشکیلات، همه و همه را، به شکلی کاملاً تصویری و با لحنی شوخ و فراموش‌نشدنی و در عین حال تأثیرگذار و حس برانگیز، برای ما خوانندگان رمان نقل می‌کند. به گونه‌ای که همراه‌نشدن با راوی و کنار

نیما اکبرخانی، نویسنده

شیرین‌تر، درگیرکننده‌تر، جذاب‌تر و اجازه دهید باز هم عرض کنم منحصر به فرد تر باشد، آن راوی باورپذیرتر و ماندگارتر، و به دنبال آن، رمان متکی بر راوی اول شخص، جدی‌تر و خواندنی‌تر خواهد شد، همانند راوی دوست‌داشتنی و فراموش‌نشدنی رمان قابل اعتنای «عزرائیل، روزهای تاریک»، با کوله‌باری از تجارب جنگ رودرو با ترو ریست‌های تکفیری در سوریه و با زبانی شوخ و متفاوت. این راوی شیرین‌سخن که در رمان دیگر نویسنده با نام «اثری‌ا، نیز حضور دارد، با نوشتن تعدادی نامه، با لحن محاوره‌ای و خودمانی و خطاب به فرزند هنوز متولد نشده‌اش در «اثری‌ا، و همان فرزند ظاهراً خردسالش در «روزهای تاریک»، و البته به طور هم‌زمان، خطاب به حمیدرضا هدایتی، بازجوی پرونده راوی که یکی از شخصیت‌های ایلد او رمان «عزرائیل»، با عنوان فرعی «کهنه‌سرباز» نیز هست (ناگفته‌نماند، رمان «عزرائیل، کهنه‌سرباز» همین نویسنده، در بخش داستان بلند و رمان یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، در سال ۱۴۰۱، شایسته تقدیر شناخته شد)، ماجراهای عجیب و غریبی را که ظرف پنج‌شش سال گذشته پشت سر گذاشته است، تعریف می‌کند: از لحظه حرکت از تهران به سمت سوریه، به همراه دوست دوران کودکی‌اش، مجتبی، و به عنوان دوزمنده جهادی و غیرتشکیلاتی، در روزهای آغازین شکل‌گیری بحران سوریه، تا لحظات پرتعلیق جنگ چریکی شهری و نبردهای تن‌به‌تن در دمشق که به گفته خود راوی (قریب به این مضمون) «گاهی